

تعدیل مهر؛ واکاوی دلایل عدم جواز تعدیل مهر (با افزودن بر مقدار آن)

سید مرتضی قاسم زاده^۱

پیشینه‌ی بحث

دیر زمانی رسم چنین بود که پس از تعیین مهر هیچ گونه تعدیل و تجدید نظری را در مورد آن روا نمی دانستند و به مفاد تراضی در مورد مهر سخت پای بند بودند؛ ولی با توجه به برخی از رخ دادهای فرهنگی و اقتصادی به ویژه تنزل ارزش مهرها (ی تعیین شده به ریال)، تعدیل مهرهای ریالی و به نرخ روز کردن آن از طرف قانون گذار پذیرفته شد؛ مردم نیز کم کم به فکر تعدیل قراردادی و ایقاعی مهر افتادند؛ به گونه ای که گاه با تنظیم و تسلیم اقرارنامه‌های رسمی، سند رسمی نکاح را نیز اصلاح و مهر اصلاح شده را در آن درج می کردند.

چنان که گذشت: شیوه‌ی اخیر تعدیل مهر مورد نقد و اعتراض برخی از صاحب نظران و مقامات رسمی قرار گرفت و با عکس العمل شورای نگهبان و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به ظاهر راه تعدیل قراردادی و ایقاعی مهر بسته شد.^۲

با وجود این، چنان که گفته شد: تعدیل مهر در معانی مختلفی به کار می رود (ر.ک. به: بخش نخست، ش ۲)؛ برخی از اقسام تعدیل مهر به حکم صریح قانون مجاز و ضروری است (ر.ک. به: بخش نخست، ش ۲، ۵ و ۷)؛ ولی جواز تعدیل قراردادی و ایقاعی^۳ مهر با وجود نظر شورای نگهبان قانون اساسی و رأی وحدت رویه‌ی دیوان عدالت اداری هنوز هم از جهاتی قابل بحث و تحلیل است که به ترتیب ذیل مورد مطالعه و پژوهش قرار می گیرد:

۱ - سردبیر فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوق قضایی.

۲ - ر.ک: فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۶۷.

۳ - تعدیل قراردادی مهر با تراضی زوج و زوجه و تعدیل ایقاعی آن با اراده‌ی زوج محقق می شود. (برای مفهوم انواع تعدیل مهر، ر.ک.: همان، ش ۲).

۱- تزلزل عقد نکاح و ارکان خانواده

گفته شده است که: افزودن بر مهر موجب تزلزل عقد نکاح و ارکان خانواده می‌شود^۱ زیرا ممکن است زوجه افزایش مهریه را درخواست و زوج با آن مخالفت کند و به سبب تکرار خواسته‌ی زوجه و عدم تمکین زوج از خواسته‌ی او اختلاف بین آن‌ها عمیق‌تر شده و به جدایی بیانجامد. از طرف دیگر، حتی در صورت موافقت زوج با درخواست زوجه و افزودن بر مهر نیز استحکام خانواده آسیب می‌بیند؛ زیرا گاه زوجه به سبب فزونی مهر برای وصول آن وسوسه یا از طرف کسی تحریک می‌شود و اقدام قانونی می‌کند و به دلیل مخالفت یا اعسار زوج اختلاف دیگری پدید می‌آید و ارکان خانواده با بروز این گونه اختلافات متزلزل می‌شود؛ ولی این نظر قابل ایراد است. زیرا: بین افزودن بر مهر و تزلزل عقد نکاح و ارکان خانواده‌ها هیچ‌گونه ملازمه‌ی عقلی وجود ندارد و دلیل قانع‌کننده‌ای (مبتنی بر یک مطالعه‌ی میدانی) نیز وجود چنین تلازمی را نشان نمی‌دهد؛ ولی دست کم تجربه‌ی ناشی از استقرای موردی نشان می‌دهد که انتخاب همسر نامناسب و عدم رعایت همسنگ (کفو) بودن زن و شوهر از جهات مختلف یا برهم خوردن همسنگی زمان عقد همسران (بر اثر اعتیاد، بیماری‌های اخلاقی و جسمی) هر یک به تنهایی عامل مهم جدایی و اختلاف زن و شوهرها است نه تعیین مهریه‌ی زیاد یا کم یا تعدیل آن. به علاوه ممکن است مهر از روز نخست نیز (نسبت به وضع شخصی یا نوعی زوج یا زوجه یا هر دو) زیاد تعیین شده باشد.

وانگهی، زیادی یا کمی مهر امری نسبی است و با توجه به شرایط اشخاص (زوج و زوجه) سنجیده می‌شود.

بنابراین ممکن است مقدار مهر زوجه، در روز تعیین آن، زیاد باشد ولی با توجه به افزایش دارایی زوج و تغییر شرایط زوجه کم ارزش شود یا برعکس ممکن است برای زوجه مهر کمی تعیین شود ولی به دلیل فقر حادث و از بین رفتن دارایی زوج یا ورشکستگی او زیاد و نامعقول به نظر برسد.

۱- نقل از: میرزا طلوعی، حسن، نقل از مقدمه‌ی رأی وحدت رویه‌ی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری (دادنامه‌ی ۴۸۸، مورخ ۱۳۸۸/۰۶/۱۵)، منتشر شده در سایت کانون سردفتران و دفتر یاران: www.notary.ir/node/253

۲- لزوم فسخ نکاح و جاری شدن صیغه‌ی عقد دائم (و تحقق ایجاب و قبول طرفین) در صورت افزودن بر مهر

ایراد مذکور به عنوان دلیل در برخی از سایت‌ها منتشر و تصور شده است که برای افزایش مهر باید نکاح پیشین (به سبب طلاق یا فسخ نکاح یا انفساخ آن) فسخ (منحل) و نکاح جدیدی منعقد شود و مهری تعیین گردد و مهر عقد جدید نسبت به عقد پیشین بیشتر باشد تا افزایش مهر محقق گردد؛ در صورتی که افزودن بر مهر هنگامی مطرح می‌شود که بر مقدار مهر موجود افزوده شود و با تعیین مهر، به هر مقدار (اگرچه مقدار آن بسیار زیاد و نامتناسب باشد) مفهوم افزودن بر مهر محقق نمی‌شود.

به هر حال تحلیل مذکور^۱ ضعیف و قابل ایراد به نظر می‌رسد. زیرا:

اولاً- هرگاه مقصود از افزودن بر مهر این باشد که زوج و زوجه برای نیل به مقصود خویش مجبورند نکاح را با استفاده از طلاق یا فسخ (در صورتی که خیار فسخی در بین باشد) منحل و آنگاه عقد نکاح جدیدی با مهر بیشتر نسبت به عقد پیشین جاری نمایند، افزایش مهر محقق نمی‌شود. زیرا چنان که گفته شد: افزودن بر مهر هنگامی محقق می‌شود که مهر تعیین شده به سبب یک نکاح افزایش یابد نه به سبب عقد نکاح جدید.

بدیهی است که زوج به سبب هر عقد نکاحی که می‌بندد باید (اصولاً) به زوجه مهری بپردازد ولی مفهوم افزایش مهر در یک عقد مطرح می‌شود. گرچه ممکن است شرایط دو نکاح از جمله مهر عقد نکاح جدید با پیشین مقایسه و نسبت به افزایش یا کاهش یا تساوی دو مهر اظهار نظر گردد. ولی چنان که گفته شد مفهوم تعیین مهر با تعدیل و افزایش آن تفاوت دارد؛ اصولاً به هنگام تشکیل عقد نکاح دائم مهر تعیین می‌شود ولی در هر نکاح منقطع از جمله نکاح منقطع جدید (که پس از انقضای مدت یا بذل مدت باقیمانده منعقد می‌گردد) باید مهری تعیین شود زیرا تعیین مهر شرط صحت این نکاح است.

ثانیاً- افزودن بر مهر هنگامی محقق می‌شود که: مهر تعیین شده افزایش یابد وگرنه چنان که گفته شد: هرگاه نخست عقد نکاح موجود (به یک سبب قانونی) منحل شود و

آنگاه نکاح جدیدی با مهر جدید (بین همان زن و شوهر سابق) منعقد گردد، افزایش مهر محقق نمی‌شود. به علاوه هیچ یک از اعمال حقوقی مذکور (طلاق یا فسخ نکاح و ازدواج مجدد با تعیین مهر بیشتر) منع شرعی و عقلی ندارد.

ثالثاً- ظاهر عبارت در تحلیل مذکور (افزودن بر مهر پس از عقد مستلزم فسخ نکاح و جاری شدن صیغهی عقد دائم (و تحقق ایجاب و قبول طرفین می‌باشد) حاکی از تقدم عقد بر ایجاب و قبول است؛ در صورتی که بدون ایجاب و قبول عقدی محقق نمی‌شود. به هر حال، چنان که گفته شد، بر فرض که زن و شوهری بخواهند از طریق طلاق و ازدواج مجدد برای افزودن بر مقدار مهر اقدام کنند، منع شرعی و عقلی وجود ندارد. تجدید نکاح منقطع (پس از بذل یا انقضای مدت) نیز با مهر و مدت جدید جایز است.

۳- مغایرت با مصلحت خانواده، نظم عمومی و قواعد امری عقد نکاح

ممکن است تصور شود که افزودن بر مهر پس از عقد بر خلاف مصلحت خانواده، نظم عمومی و قواعد امری عقد نکاح است؛ ولی این تصور و ادعا نیز ثابت شده نیست و محمل قابل قبولی ندارد. زیرا چگونه می‌توان پذیرفت که افزودن بر مهر ممنوع باشد ولی تعیین مهرهای زیاد اختیاری و مجاز.

به علاوه مصلحت هر خانواده‌ای را با ید به صورت شخصی تشخیص داد نه از طریق مقایسه با دیگران.

۴- تقدم علت بر معلول

گفته شده است که: معلول باید مؤخر بر علت باشد و در صورت افزایش مهر بعد از عقد، تقدم علت بر معلول پیش می‌آید. درست است که به حکم طبیعت و بر طبق قاعده، علت باید بر معلول خود مقدم باشد ولی با افزایش مهر پس از عقد جای علت و معلول عوض نمی‌شود زیرا:

اولاً- استفاده از اصطلاح علت برای عقد نکاح دائم و معلول برای مهر قابل ایراد به نظر می‌رسد؛ زیرا چنان که گفته شد عقد نکاح و تراضی زن و شوهر (هر دو) سبب

مالکیت زوجه بر مهر می شود. بنابراین عقد نکاح در مورد مذکور جزء سبب محسوب می شود نه سبب تام.

به علاوه هرگاه عقد نکاح علت و مهر معلول آن باشد، در صورت افزودن مهر پس از عقد نیز علت یا سبب افزودن، عقد نکاح است. زیرا چنان که گفته شد: قانونگذار در مواردی تعیین مهر پس از عقد را نیز اجازه داده است (ر.ک.: بخش نخست، ش ۳).

ثانیاً- گذشته از تحلیل مذکور، به نظر می رسد که: در صورت اعتبار افزایش مهر، علت یا سبب افزایش مهر تراضی زوجین است نه عقد بدون تراضی؛ زیرا از طرفی گرچه عقد نکاح دایم بدون (تعیین) مهر نیز صحیح است و به مجرد (تشکیل) عقد (نکاح)، زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن (مهرالمسمی) بنماید (ماده ۱۰۸۲ ق.م.ا)؛ ولی به نظر می رسد که صرف بستن عقد نکاح، ذمه‌ی زوج را بر هیچ گونه مهری (حتی به احتمال قوی بر نصف مهرالمثل نیز) مشغول نمی کند؛^۱ زیرا ذمه‌ی زوج حسب مورد در صورت تراضی زوجین بر مهرالمسمی یا نصف آن در صورت تعیین مهرالمسمی و طلاق پیش از نزدیکی (ماده ۱۰۹۲ ق.م.ا) و در صورت ازدواج دایم بدون تعیین مهر و نزدیکی پیش از تعیین آن به مهرالمثل مشغول می شود (ماده ۱۰۸۷ ق.م.ا). از طرف دیگر به نظر می رسد که نکاح منقطع حتی جزء سبب مهر نیز محسوب نمی شود؛ زیرا نکاح منقطع بدون تعیین مهر باطل است. بنابراین برخلاف نکاح دایم که ممکن است عقد به عنوان جزء سبب مهر معرفی شود، در نکاح منقطع مهر فقط با تراضی زوجین تعیین می شود و عقد نکاح منقطع بدون تعیین مهر به تنهایی باطل است و عقد باطل سبب (اشتغال ذمه‌ی زوج نسبت به) مهر یا جزء آن به شمار نمی رود. با وجود

۱- با وجود این، برای حمایت از زوجه و به حکم قانون، در مواردی به زوجه مهرالمثل یا مهرالمتععه تعلق می گیرد. در این موارد ممکن است تصور شود که عقد نکاح، علت و مهر معلول آن است؛ ولی چنان که گفته شد، در این موارد نیز عقد نکاح علت مهر نیست بلکه اصولاً تراضی زوج و زوجه سبب استحقاق زوجه بر مهر می شود و در صورت عدم تعیین مهر یا ازدواج بدون تعیین آن یا بطلان مهر، به حکم قانون، حسب مورد مهرالمثل یا مهرالمتععه به زوجه تعلق می گیرد. البته حمایت قانونی تعلق مهر بر زوجه مطلق نیست و ممکن است زن مستحق هیچ گونه مهری نباشد؛ چنان که هرگاه در نکاح دایم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد و یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمیرد، زن مستحق هیچ گونه مهری نیست (مواد ۱۰۸۷ و ۱۰۸۸ ق.م.ا).

این، هرگاه عقد نکاح جدیدی خواه دایم خواه منقطع منعقد شود، تعیین مهر با رقم دلخواه زن و شوهر (مهر زیاد و مدت زیاد) بلا مانع است.^۱

در برخی از متون (روایی) افزودن بر میزان مهر نکاح منقطع با این شیوه مجاز شمرده شده است (همان).

۵- اکل مال به باطل^۲

گاه ممکن است برای تعدیل مهر بر مقدار آن افزوده شود یا از مقدار آن کاسته شود. گفته شد که افزودن بر مقدار مهرهای ربالی برای جبران ارزش از دست رفته آنها و به نرخ روز کردن مهر، نه تنها نامشروع نیست بلکه کوتاهی مدیون (زوج) در این باره و اکتفا به تأدیه‌ی مقدار عددی ذکر شده در عقد نامه، امری خلاف قانون و از موارد اکل مال به باطل (و تزییع حقوق زوجه) است. با وجود این، چنان که گفته شد با تعدیل مهر (واقع در ذمه‌ی زوج) و به نرخ روز کردن آن، بر مقدار عددی (تنزل یافته‌ی) مهر افزوده می شود (و این نوع تعدیل ارزش از دست رفته مهر را به آن بر می گرداند) نه بر مقدار ارزشی (واقعی) آن.

به علاوه، هر گاه در اثر غرور یا تدلیس یا اشتباه، مهر کمتری در سند نکاح قید شده باشد، زوجه حق دارد با اثبات مسأله، تعدیل (تجدید نظر و اصلاح) مهر را از مرجع صالح درخواست نماید.

۱- و قوله تعالى وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ. قال السدي و قوم من أصحابنا معناه لا جناح عليكم فيما تراضيتم به من استئناف عقد آخر بعد انقضاء المدة التي تراضيتم عليها فتزديدها في الأجر و تزيدك في المدة؛ (راوندي، قطب الدين، سعيد بن عبدالله، فقه القرآن (لراوندي)، ۲ جلد، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشي نجفی - رحمه الله، قم، دوم، ۱۴۰۵ ه.ق، ج ۲، ص: ۱۰۷)؛ ثم خص العقد المؤجل بالذكر فقال «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ» «۵»، و المعنى فمن نكحتموه منهن نكاح المتعة فأتوهن أجورهن فريضة و لا جناح عليكم فيما تراضيتم به من بعد الفريضة، لأن الزيادة في الأجر و الأجل لا تليق إلا بالعقد المؤجل، شريف مرتضى، على بن حسين موسوى، الانتصار في انفرادات الإمامية، در يك جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه‌ى مدرسين حوزه‌ى علميه‌ى قم، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه.ق، ص ۲۷۳).

۲- ... لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبُطْلِ إِلَّا أَنْ تَكُونُوا تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ (نساء/۲۹).

در این موارد نیز افزودن بر مقدار مهر (ثبت شده) ضروری است؛ ولی این افزایش نیز ظاهری است؛ زیرا در واقع چیزی بر مقدار مهر افزوده نمی شود؛ بلکه مهرالمسمای ظاهری (که بخشی از ارزش خود را از دست داده است) اصلاح می شود و رقم واقعی آن در سند درج می گردد.

در غیر موارد مذکور، گاه ممکن است زوج با توجه به انگیزه های گوناگون قصد افزودن بر میزان مهرالمسمی را داشته باشد و بر آن بیفزاید؛ به نظر می رسد که افزودن بدون مبنای شرعی و قانونی بر مهر صحیح نیست؛ بنابراین تملیک مال به زوجه در یکی از قالب های معتبر حقوقی از جمله صلح و هبه بدون اشکال است؛ ولی قصد و رضای زوج در تمام موارد شرط اساسی صحت انتقال مال زوج به ملکیت زوجه به شمار می رود؛ ولی چنان که گفته شد این گونه تملیک مال به زوجه یا افزودن بر مهر (به تعبیر تسامحی عامیانه)، مهر محسوب نمی شود و از حمایت های ویژه‌ی مهر بهره مند نیست.

نکته‌ی اساسی در انتقال های مذکور قصد افزودن بر مهر بدون قصد عنوان مهر است. به علاوه به نظر می رسد که زوج به تنهایی حق ندارد در دین مربوط به مهر تغییری بدهد و از مقدار آن کم کند ولی حق دارد بر مقدار آن بیفزاید. زوجه نیز حق ندارد بر مقدار مهر بیفزاید ولی حق دارد از مقدار آن کم کند. ولی اصولاً قصد و رضای زوج و زوجه برای افزودن بر مقدار دین مربوط به مهر یا کاستن از مقدار آن (در قالب عقد صلح یا هر توافق معتبر حقوقی) کافی است.